

مقدمه

۶۰۴
به نمایندگی از امت امام جعفر صادق علیه السلام

دوران امامت امام صادق علیه السلام، مصادف است با ترجمه آثار یونانی و گسترش مبارزات فکری و ایدئولوژیکی و نیز ظهور مذاهب و مکتب‌های انحرافی. در طول صد سال گذشته، دستگاه فاسد حکومتی با صرف هزینه‌های هنگفت، سعی در جعل احادیث و ایجاد انحراف در مکتب تشیع کرده بود و در حد توان در نشر بدعت‌ها کوشیده بود. همچنین، از دیدگاه نظری و عملی در افکار و روش مردم، عقیده‌های روشن و دارای خطوط کلی وجود نداشت و آن نتیجه گسترش حکومت عباسیان جدید بود که مردم را در فساد و تباهی غرق کرده بودند. این کار با تزویر و از طریق جعل حدیث و فتاوی به رأی همراه بود. به علاوه، در داخل امت کشمکش‌های سیاسی و مذهبی شدید پیدا شد، به طوری که مردم آن سامان فرصت نمی‌یافتند تا واقعیت اسلام را دریافته یا آن را زنده نگه دارند.

بنابراین، امام صادق علیه السلام ناچار بود با همه آن تناقضات و امواج منحرف و مخالف، که هستی اسلام را تهدید می‌کرد، روبه‌رو گردد. امام با دوگونه انحراف مواجه بود: انحراف در سطح سیاسی که در هیأت حاکمه و حکومت مجسم بود و ناآگاهی و انحراف عقیدتی. آن‌گاه که امام علیه السلام، واقعیت امت را از لحاظ فکری و عملی و نیز شرایط سیاسی و اجتماعی و محیطی و قدرت و امکاناتی را که می‌توانست با آن مبارزه سیاسی را آغاز کند، شناخت. قیام به شمشیر و پیروزی مسلحانه و فوری را برای برپاداشتن حکومت اسلامی کافی ندانست؛ زیرا برپاداشتن حکومت و نفوذ میان مردم، به مجرد آماده کردن قوا برای حمله نظامی هرگز کافی نیست. بلکه پیش از آن، بایستی سپاهی عقیدتی تهیه می‌شد که به امام و عصمت او ایمان مطلق داشته باشند و هدف‌های بزرگ او را ادراک کنند و در زمینه حکومت، از برنامه او پشتیبانی کرده، دست‌آوردهایی را که برای امت حاصل می‌گردید پاسبانی نمایند.

امام علیه السلام در برابر این واقعیت، به ناچار باید برنامه‌ای جامع تنظیم می‌کرد که دو هدف را تعقیب کند: اول، تأسیس پایگاه‌های مردمی و نفوذ در آن و ارائه روش‌های عملی برای اصلاح در هنگام انحراف؛ دوم، تحریک و تقویت وجدان و اراده امت اسلامی به درجه‌ای که امت را در برابر تنازل مطلق از شخصیت و کرامت او در مقابل زمامداران منحرف محفوظ نگاه دارد.^(۱)

جامعه عصر امام علیه السلام در برنامه‌ریزی اصلاحی خود برای بناسازی جامعه اسلامی با دو دشواری اساسی روبه‌رو بود: ۱. واقعیت فاسد و اوضاع نامطلوب اجتماعی و اخلاقی که اجرای احکام اسلام را با مشکل مواجه می‌نمود. ۲. مراقبت شدیدی که پیرامون امام در جریان بود و فشار و شکنجه و تعقیب نسبت به اصحاب و بستگان و طرفداران و پیروان راستین او.

حاصل این محدودیت و مراقبت شدید؛ پدید آمدن اندیشه‌های مختلف و گفت‌وگوهای گوناگون بین شیعیان بود و برای امام صادق علیه السلام هیچ مجالی به دست نیامد تا صفوف شیعه و عقاید گوناگون مذهبی را که بین آنان وجود داشت، متحد کند. زیرا تماس با شیعیان دشوار بود و حکومت درباره آنان بسی سخت‌گیری می‌کرد.^(۲)

در سال ۱۳۵ هجری همزمان با روی کار آمدن عباسیان و به قدرت رسیدن منصور، علویان آزارها و شکنجه‌های فراوان دیدند. منصور آنان را داخل ستون‌ها می‌گذاشت و به دیوارها می‌خکوب می‌کرد و سقف را بر سر زندانیان علوی خراب می‌کرد. براساس این اوضاع و شرایط، امام صادق علیه السلام به دو شکل فعالیت خود را آغاز نمود:

اول، فعالیت‌های جنبشی. یعنی ایجاد رابطه و ارتباط هماهنگ با قوای امت - قوای خارجی و این خود در دو زمینه قابل توجه بود: الف) توجیه کردن عواطف امت با سیره اهل بیت علیه السلام (ب) تلاش در جهت اعطای قدرت معنوی به ملت با هدف تحقق اهداف دین اسلام. دوم، کارهای زیربنایی از جمله ایجاد پایگاه‌های مردمی متنوع و آگاه به زمان با هدف ارتباط با امام و نظارت بر کار امت.^(۳) فعالیت و تلاش امام علیه السلام برای ایجاد ارتباطی هماهنگ با امت آشکار بود؛ چه انتقال قدرت که پس از زوال حکومت بنی‌امیه مستقیماً روی داده بود، امام را از خشم و حمله فرمانروایان و مراقبت شدید آنان در امان نگاه داشت، نیز روی آوری مسلمانان به فقها و دانشمندان برای شناخت اسلام و احکام دینی در حل مشکلات فردی و اجتماعی آنان، امام را از فشارهای دولت مصون می‌داشت.

این عوامل و عواملی از این دست، به امام علیه السلام یاری می‌کرد تا امور خویش را با روش علنی و ظاهری ادامه دهد بی‌آنکه فعالیت آشکار خود را با عمل سیاسی بی‌پرده همراه کند. بلکه، امام فعالیت فکری و عملی و تمرینش خویش را آغاز که حاصل آن تربیت بزرگان و

فقها و اندیشمندان بزرگی در حوزه فکر و اندیشه و فرهنگ دینی بود.

امام صادق علیه السلام دانشمندان برجسته‌ای را در زمینه‌های اعتقادی، علمی، فقهی و... تربیت می‌نمود و آنان را برای تبلیغ اسلام و مناظره با مخالفین به سراسر کشور پهنار اسلامی گسیل می‌داشت. از آن جمله می‌توان به هشام بن حکم (متفکر و متکلم معروف)، جابر بن حیان (شیمی‌دان نامی که او را پدر علم شیمی نامیده‌اند)، مؤمن الطاق (متکلم معروف)، محمد بن مسلم و زراره بن اعین اشاره کرد. همچنین هشام بن محمد کلبی موزخ بزرگ و شاگرد امام صادق علیه السلام به تنهایی بیش از دویست کتاب تألیف کرده است. در تاریخ، نام و یاد چهارصد تن از شاگردان امام صادق علیه السلام که دارای تألیفاتی بزرگ بوده‌اند آمده است.^(۴)

جاحظ در مورد امام جعفر صادق علیه السلام گوید: «امام صادق علیه السلام چشمه‌های دانش و حکمت را در روی زمین شکافت و برای مردم درهایی از دانش گشود که پیش از او معهود نبود و جهان از دانش وی سرشار گردید.»^(۵)

فعالیت‌های امام در زمینه علمی به دو شیوه بود: ۱) روش ویران‌گری: این روش در ایستادگی قاطعانه در برابر شبهه‌های غرض‌آلود در عقاید و نظریات دینی بود. روش آن حضرت در این ویران‌گری پی‌آمد اعمال زیر بود:

مقابله و مبارزه با امواج ناشناخته و فاسدی که اوضاع سیاسی عهد امویان و عباسیان آن را به وجود آورده بود و از طرفی مملو از کشمکش‌های مذهبی و قبیله‌ای و قومی در این دو دوره بود. از سوی دیگر، در نتیجه ارتباط با بیگانگان، و ترجمه کتاب‌های یونانی و فارسی و هندی، زمینه‌ساز ایجاد گروه‌های خطرناک از جمله «غلات» و «زندیقان» و «جاعلان حدیث» و «اهل رأی و متصوفه»، شده بود که بستر مساعدی برای رشد انحراف جامعه اسلامی بود.

امام صادق علیه السلام در برابر آنان مقاومت و در سطح علمی، با همه مناظره و مباحثه کرد و خط افکارشان را برای ملت اسلام سست نموده و از بین برد.^(۶)

۲) روش بنیادی: این روش با کوشش و تلاش علمی و فکری خستگی‌ناپذیر در راستای تعمیق مبانی و احکام دینی شکل می‌گرفت. در این زمینه امام علیه السلام به اقدامات زیر همت گمارد:

مفاهیم عقیدتی و احکام شریعت را منتشر ساخت و آگاهی علمی را پرانکند و توده‌های عظیم دانشمندان را به منظور برپای داشتن آموزش مسلمانان مجهز کرد. امام در عصر خود بزرگ‌ترین آموزشگاه مکتب تشیع را پی‌ریزی کرد و یترب را که سرای هجرت بود و مهبط وحی، مرکز آموزشگاه خود قرار داد و مسجد پیامبر اکرم علیه السلام را محل تدریس خویش به طوری که همه متون در آن تدریس می‌شد.^(۷) از جمله شاگردان آن امام بزرگوار، پیشوایان مذاهب معروف اسلام مانند:

آروی سکه

اصغر ترابی

ای صبا این چیست که به ارمغان آورده‌ای؟! بوی بهار است یا که بوی تربت پاک حسین علیه السلام? از بهار پرسیدم: این شکوفه‌ها و این گل‌های زیبا شاید کودکان کربلا و علی‌اصغر حسین است. این درختان سرسبز، حتماً عَلم و بیرق حسین علیه السلام است. صدای لیلان را شنیدم که هم آواز یا ناله جانسوز حسین بود. در حلول سال نو نیز پروانه‌ای به دنبال شمع وجود حسین بود؛ هم غرش آسمان و هم خروش دریای جوشان حاکی از این بود که امسال سال حسین علیه السلام است.

پس از سالی که به نام رفتار علوی مزین گشته بود، این بار، در حلول سال نو، سراپا گوش منتظر نام‌گذاری سالی که آغاز و پایانش مقارن با فریاد یا حسین است، نشسته بودیم که تدبیر رهبر فرزانه انقلاب در شرایطی که سردمداران استکبار جهانی به بهانه مبارزه با تروریسم، چنگ و دندان تیز کرده و تهدیدات خود را متوجه جهان اسلام نموده و نایخردانه ملتی را که قهرمانانه بارها امتحان پس داده است، هدف قرار داده، چه واژه قشنگ و ظریفی را برگزید. چه پرمعنا و با صلابت! **«عزت و افتخار حسینی»**.

واقعاً بر خود بالیدم بر این تدبیر و بر این نام، کلامی رسا و متین، زیبا و عمیق، پرمعنا و تام، متناسب با اوضاع زمان، نامی غرورآفرین و سرشار از پیام.

سال‌هاست مردم در سوگ سرور و سالار شهیدان و یاران باوفایش به عزا و ماتم نشسته و با دیدگانی گریان بر سر و سینه می‌زنند و بر مظلومیتشان اشک ماتم می‌ریزند، عشق به حسین و عاشورای حسینی برای شیعیان و محبان اهل بیت حدیث دیگری دارد.

گریستن بر سوگمندترین حادثه تاریخ را که در کربلا به نام حسین علیه السلام رقم خورد نمی‌توان منکر شد، بلکه باید گفت: بر مظلومیت امامان و به ویژه حادثه کربلا خون باید گریست. چه هرگز غبار مظلومیت را نمی‌توان از چهره مبارکشان زدود و به سادگی از آن گذشت.

باید گفت: در حادثه کربلا شاید در طول تاریخ، سوگ حادثه اجازه پرداختن به ابعاد دیگر را نداده و بر همه جوانب آن سایه افکنده است. این چیزی است که در ادبیات و تاریخ و شعر ما کاملاً مشهود و محسوس است. پس بیایید روی دیگر سکه را بنگریم تا حسینی را که در همه اعصار و قرون دل‌های عالم را شیفته و مفتون خود ساخته است، بهتر بشناسیم و بشناسانیم.

حسین عزت و سربلندی را نه برای شیعیان، نه برای مسلمانان بلکه برای همه عاشقان و آزادگان و عدالت‌خواهان به ارمغان آورد تا در مکتب او درس عشق و آزادی و عدالت بیاموزند.

حسین با خون سرخ خود صحرای سوزان کربلا را آبیاری کرد و آزادی و عزت، درس عشق و ایثار، شهامت و شجاعت را به همه انسان‌های آزاد و عاشق آموخت.

حسین در بلندای تاریخ جمله زیبایی حق پیروز است را بر قلوب همه انسان‌های آزاد و شجاع حک نمود و با خون سرخش شعار «هیاهات مآ الذلة» را بر پیشانی‌شان نوشت تا با تداوم راه او بساط ظلم و ستم را از گستره تاریخ برچیند.

بیایید همان‌گونه که در سوگش نشسته‌ایم و بر مظلومیتش می‌گرییم، او را مظهر عزت و افتخار، شجاعت و آزادی، دین‌باوری و دین‌داری، عشق و دلباختگی، ایمان و دلیری و در یک کلام مظهر همه خوبی‌ها بدانیم.

به راستی عزت، واژه زیبا و پرمعنایی است؛ عزت یعنی فراتر از قدرت، یعنی تسلط و استیلا بر قدرت، یعنی علو و برتری، سربلندی و اقتدار، عزت یعنی به کسانی که به بازوان قدرتمند خود می‌بالند و دیگران را به سلاح‌های پیشرفته خود تهدید می‌کنند و خود را یک‌ه‌تاز میدان و ابرقدرت جهان می‌دانند، بگوییم:

«مردان راه حسین در برابر قدرت و شوکت ظامری مرعوب نخواهند شد چون سلاحشان ایمان، کتابشان قرآن و رهبرشان حسین است.»

پس ای شیفتگان راه حسین، ای جویندگان عزت حسینی حال که یزید زمان، بوش ظالم، پرچم کفر را به دست شمر زمان شارون جنایتکار داده است و کوفیان فقط به نظاره نشسته‌اند، آیا سکوت جوامع اسلامی رواست؟ این سکوت‌گناهی نابخشودنی است و موجب تن به ذلت دادن به بهای از دست دادن عزت جوامع اسلامی گردیده است.

پس بیایید همه با هم سوگند یاد کنیم که گوش به فرمان ولایت جان را سند عزت و خون سرخ را پشتوانه حفظ و بقای دین و اسلام و کبان اسلامی خود سازیم تا هم در دنیا با عزت زندگی کنیم و هم در آخرت سربلند باشیم. و بدین سان عزت و افتخار حسینی را پاس بداریم.

مالک بن انس (پیشوای مذهب مالکی)، ابوسفیان ثوری (از مشاهیر اهل سنت)، ابوحنیفه (پیشوای مذهب حنفی)، شافعی (پیشوای مذهب شافعی)، احمد حنبل (پیشوای مذهب حنبلی)، ابن عیینه، محمد بن حسن شیبانی و یحیی بن سعید و غیر ایشان از دانشمندان و محدثان و فقیهان مانند: ایوب سجستانی و شعبه بن حجاج و عبدالملک بن جریر و... بودند. یکی از آثار باقیمانده، کتابی است به نام «توحید مفضل» که امام صادق علیه السلام در زمینه خداشناسی به یکی از اصحاب خود به نام «مفضل» تعلیم داده است. از آن حضرت ده‌ها هزار حدیث در زمینه‌های گوناگون بر جای مانده و تنها «ابو سعید ابان» یکی از شاگردان امام، سی هزار حدیث از آن حضرت نقل کرده است. مجموع شاگردان امام علیه السلام بالغ بر چهار هزار تن بودند. (۸)

اهداف مهم امام صادق علیه السلام در این زمینه، سه چیز بود:

الف. تنظیم قواعدی استوار برای تشریع احکام اسلامی. تا بدین ترتیب استمرار و بقای اسلام را تضمین نماید.

ب. پاسخ به شبهات و اصلاح احادیث جعلی.

ج. اثبات امامت و مرجعیت دینی خویش و توجیه وجوب اطاعت از امام عصر. آن‌سان که بزرگان علمای سایر مذاهب اسلامی جز اعتراف به برتری و مرجعیت او کاری نتوانستند کنند، همچون اعتراف ابوحنیفه، که پس از دو سال علم‌آموزی نزد امام صادق علیه السلام چنین یاد کرده است: «اگر آن دو سال نبود، نعمان (ابوحنیفه) از بین رفته بود». (۹)

روشن است که اگر فعالیت‌های علمی امام صادق علیه السلام در اشاعه فرهنگ دینی و مکتب تشیع نبود، از تشیع و اسلام پس از قرن‌ها اینک خبری نبود.

امام صادق علیه السلام دست به پاکسازی وسیعی در دین زدند. دین را از انحرافات دینی به وجود آمده پس از دوران طلایی اسلام پیراستند. از این رو، نقش ایشان در احیای فرهنگ اسلام و غنا بخشیدن به معارف اسلامی بسیار چشم‌گیر است. به همین دلیل، شیعه اثنی عشری را شیعه جعفری نیز می‌نامند؛ زیرا شیعه بسیاری از معارف خود را از پیشوای ششم خود امام جعفر صادق علیه السلام دریافت داشته است. و بدین سان امام صادق علیه السلام مؤسس شیعه جعفری لقب گرفت.

- پی‌نوشت :
۱. ۳ و ۲. پیشوایان ما ائمه دوازده‌گانه، تألیف استاد عادل ادیب، ص ۱۸۳ الی ۱۸۹
 ۲. الفهرست شیخ طوسی، چاپ دانشگاه مشهد، ص ۴۳
 ۳. رسایل جاحظ از سند ربی، ص ۱۰۶
 ۴. پیشوایان ما ائمه دوازده‌گانه، تألیف استاد عادل ادیب، ص ۱۹۰ و ۱۹۱
 ۵. زندگی امام موسی علیه السلام، از قریشی، ص ۷۶
 ۶. امام صادق علیه السلام و مذاهب چهارگانه، اسد حیدر، ج ۳، ص ۲۷-۲۸-۴۶
 ۷. سیری در سیره ائمه اطهار، استاد مطهری، ص ۱۲۷

